

بسم الله الرحمن الرحيم

اندیشه اسلامی ۱

جلسه چهارم

موضوع بحث: روح انسان مادی است یا مجرد؟

توضیح: این مبحث در راستای پاسخ گویی به شبهات عموم دانشجویان گرامی در خصوص غیر مادی بودن روح ارائه می شود و بخشی از مطالب خارج از کتاب درسی است.

منبع: کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم نوشته علامه طباطبایی و پاورقی شهید مطهری - فصل سوم - مقاله علم و ادراک

منظور از شیء مادی چیست؟

نکته اول: معنای غیر جسمانی و غیر مادی یعنی چیزی که نه خودش جسم است و نه از قبیل صفات و ویژگیهای اجسام می باشد.

جسم: جوهری است که می توان ابعاد سه گانه را در آن فرض کرد.

ویژگی های اجسام عبارتند از

۱- طول و عرض و ضخامت، که در نتیجه

۲- فضا را اشغال می کند و ۳- قابل انقسام و تجزیه بوده و ۴- مورد اشاره حسی قرار می گیرد و ۵- در زمان و مکان می گنجد.

پس مجرد از ماده آن موجودی است که

اولاً تقسیم ناپذیر است .

ثانیاً در زمان و مکان نمی گنجد.

ثالثاً جرم و وزن ندارد و فضا را اشغال نمی کند و...

دلایل فیلسوفان :

۱-سوال : آیا اساساً امر مجرد از ماده وجود دارد ؟

پاسخ : تمامی ادراکات جنبه مجرد دارند(قول ملاصدرا)

آیا ادراکات انسان ماهیت مادی دارد یا مجرد است؟

وقتی شیئی را می بینیم سه مرتبه جریان می یابد

۱-مرتبه حس = مواجهه حسی با شیء

۲-مرتبه خیال = اثری که در ذهن نهاده و خیال و حافظه می تواند دوباره بدون مواجهه آنرا تصور نماید

۳-مرتبه تعقل = یا ادراک کلی چون ادراک خیالی جزئی است یعنی بر بینش از یک فرد منطبق نمی شود و انطباق بر افراد کثیر و یا تصور کلی کار عقل است. مثل آنکه بادیدن یک انسان معنای کلی را تصرف می کند و بر دیگر افراد تطبیق می دهد.

فلاسفه اسلامی قبل از ملاصدرا، به پیروی از فلاسفه یونان فقط قوه عاقله را مجرد از ماده پنداشتند ولی او معتقد شد که همه قوای باطنی حتی قوه خیال از ماده مجرد است.

دلیل این بزرگان **عدم تطبیق خواص ادراکات با خواص عمومی ماده** است. پس دانشمندان و فلاسفه طرفدار تجرد ادراکات و روح، نمی گویند که این امور از قید هر اصل و قانونی آزاد است و تابع هیچ قاعده علمی نیست، بلکه آنچه اثبات می کنند این است که روح و امور روحی خواص ماده را ندارند

پس فعالیت‌های عصبی مقدمه پیدایش یک سلسله امور غیر مادیست نه عین آنهاولی دانشمندان مادی بجای توجه به اصل مطلب متوسل به تحلیلهایی از فیزیک یا فیزیولوژی یا روان شناسی شده اند که اصلاً از بحث خارج شده اند

مثل آنکه مثلاً گفته اند موقع فکر کردن تغییرات مادی در سطح مغز بیشتر می شود حضرت متوجه دماغ می شود و مغز بیشتر غذا می گیرد.

اماعملای دین نمونه هایی را ذکر می کنند که نشانه مجرد بودن ادراکات ماست مثلاً وقتی در اراده و کراهت و حب و بغض و علم تصدیق خویش، تأمل می کنیم، می بینیم خواص ماده، مثل تقسیم پذیری و تحول را ندارند پس مادی نیستند

یا مطلبی را که ادراک کرده ایم و دوباره به یادش می افتیم و ادراک می کنیم می فهمیم این همان مدرک (درک شده) اولی ماست و همچنین چیزهایی را که ادراک نموده و از آن غافل می شویم و یا فراموش می نمایم. اگر مدرک ما همان مطالب در هر دو حال یک واحد حقیقی نوبده و ثبات و بقاء نداشت دیگر تحقق تذکر و معرفت معنایی نداشت. و همینطور داستان همه ادراکات در طول زمان چنین است با آنکه اعصاب و مغز با همه محتویاتمادی خویش، چندین بار عوض می شوند

دلیل دیگر **وحدت شخصیت** ماست. یعنی همین من که از آن دم می زنیم این من را ۳۰ سال پیش هنگام کودکی هم می گوئیم. و اکنون هم همان من است در حالیکه در این ۳۰ سال بارها بدن انسان عوض شده پس روح یک چیز مجرد و غیر مادیست

دلیل دیگر علم حضوری است یعنی علم ما به وجود خویش از جنس علم ما به یک فرش و ماشین خود نیست. این اشیاء با حس و علم حصولی درک می شوند و علم حضوری محتاج اینها نیست. نتیجه این که ادراکات محصول مغز نمی باشد و این روح است که آنها را ایجاد می کنند و مغز تنها نقش آلت و ابراز را دارد

-ادراکات عقلی آیا قابلیت انقسام دارند؟ قابلیت صدق بر کثیرین

باید توجه داشت که موجودات مجرد هم دارای اقسام و مراتبی هستند، یک مرتبه آن از جمیع خواص و عوارض ماده مجرد است و مراتبی دیگر از آن بعضی از شوائب و عوارض ماده را دارند ولی خواص ذاتی آن را ندارند، دسته اول مانند معقولات و دسته دوم مانند امور مثالی یا برزخی که اگر چه شکل و رنگ و هیئت دارند اما جرم و

وزن ندارند، طول و عرض و عمق هم دارند ولی از جرم و وزن بری هستند که این موجودات را موجودات برزخی (برزخ و متوسط بین مجرد و ماده) می نامند

- مساله توجه؟ گذشته از این که گاهی ما می بینیم که تمام انفعالات مادی صورت می گیرد و همه شرایط مادی فراهم است و امواج صوتی به گوش می رسند ولی چون مثلاً نفس و ذهن متوجه مطلب دیگری و غرق در مسائل دیگر است نه می شنود و نه می بیند و نه ادراکی صورت می گیرد و از این معلوم می شود بدون توجه نفس و عنایت او اگر چه تمام شرایط فیزیولوژیکی و شیمیایی هم فراهم باشد ادراکی رخ نمی دهد و صورت نمی بندد.

۲- وجود خود مجرد بدون نیاز به بدن

عدم صدق ویژگیهای ماده بر مفهوم خود...

آیا من قابل تقسیم است؟

آیا من دچار تغییر و تحول می شود؟

موضوعات ذیل نیز در اثبات تجرد روح است و دانشجویان گرامی می توانند خود به مطالعه آنها پردازند.

این همانی شخصیتمساله مجازات های حقوقی

تغییر سلولهای بدن و مغز

آیا من در زمان و مکان می گنجد؟ رویاهای صادقانه

مساله اراده